

Legal challenges to trade in Bushehr during the Qajar Era: Evidence from British consular (1911- 1913/ 1290- 1292 SH)

Kobra Mahdinasab¹ , Farhad Roostami Ghahfarokhi²

1. Ph. D. Candidate in history, University of Isfahan (corresponding Author).
1. Ph. D. Candidate in history, University of Isfahan.

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 31 July 2025

Received from revised: 8 December 2026

Accepted: 25 July 2026

Available online: 1 September 2026

Keywords:

Bushehr,
commerce,
Qajar period,
British Consulate,
commercial disputes,
law.

Background and Research Problem

During the Qajar period, the port of Bushehr was one of the most important centers of maritime trade and a major hub connecting Iran to the Persian Gulf and international markets. The expansion of commercial activities in the port, accompanied by the growing presence of foreign merchants and companies, gave rise to a range of legal disputes and challenges concerning commercial transactions, financial claims, customs matters, and merchants' obligations. Under these circumstances, the weaknesses and inadequacies of the Qajar state's judicial and executive institutions, together with the extensive presence of foreign diplomatic and consular representatives, particularly those of Britain, led some commercial disputes being pursued outside the regular jurisdiction of Iranian official institutions and pursued through consular intervention. Accordingly, the central problem addressed in this study is to examine the nature of the legal challenges surrounding trade in Bushehr and to elucidate the role of the British consulate in addressing such disputes.

Research Objective

The primary objective of this study is to identify the major legal issues and disputes associated with trade in the port of Bushehr and to analyze the manner in which the British consulate intervened in these disputes. The study also seeks to determine the extent to which consular records can illuminate the legal and commercial relations of Bushehr and reveal the relationship between Iran's judicial institutions and the interests of British subjects and merchants.

Research Method

This study employs a historical-analytical approach based on documentary research. Its primary data are drawn from British consular records concerning the port of Bushehr for the period 1911–1913 (1290–1292 SH). Among these records, a three-page document was selected as a case study, and its contents were examined using qualitative content analysis. The analysis focuses on the types of disputes, the subjects of conten-

Mahdinasab, K. (2026). ite this article: Mahdinasab, K. (2025). Legal challenges to trade in Bushehr during the Qajar Era: Evidence from British consular (1911- 1913/ 1290- 1292 SH), 4(2), 81-94. *Journal of Documentary and Archival Studies*.



© The Author(s) retain the copyright.

Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.

DOI: <https://doi.org/10.30481/psa.2026.252043>

tion, the parties involved, the manner in which the consulate pursued the cases, and the relationship between legal issues and British economic and political interests.

Research finding

The findings indicate that a substantial proportion of the issues reflected in the document concerned commercial disputes, financial claims, and customs disagreements. The document demonstrates that the British consulate did not merely act as an administrative intermediary in such cases. Rather, through correspondence, the pursuit of claims, and the protection of British subjects and commercial interests, it intervened in the process of resolving disputes. This situation was associated, on the one hand, with the limited capacity of the Qajar state's judicial and executive institutions to manage commercial disputes effectively and, on the other, with Britain's stronger economic and political position in the region.

Accordingly, the legal issues reflected in the document cannot be regarded merely as disputes between individuals or merchants. Rather, these claims and disputes emerged within the broader context of political, economic, and legal relations between Iran and Britain.

Conclusion

The examination of the case study demonstrates that British consular records, in addition to their administrative and legal value, constitute an important source for reconstructing the history of trade and legal relations in the port of Bushehr during the final years of the Qajar period. These records indicate that weaknesses in Iran's domestic legal and judicial structures, together with the growing influence of foreign powers, created conditions in which consular representatives could play an effective role in commercial disputes and in protecting the interests of their nationals. From this perspective, consular records not only reflect the legal challenges associated with trade in Bushehr but also reveal asymmetrical power relations and the interconnectedness of commerce, law, and political influence in southern Iran during the late Qajar period



چالش‌های حقوقی تجارت بندر بوشهر در دوره قاجار با تکیه بر اسناد کنسولی بریتانیا (۱۹۱۱-۱۹۱۳ م/ ۱۲۹۰-۱۲۹۲ ش)

کبری مهدی نسب^۱، فرهاد رستمی قهفرخی^۲

۱. دانشجوی دکترای تاریخ. گروه تاریخ. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. اصفهان (نویسنده مسئول).
۲. دانشجوی دکترای تاریخ. گروه تاریخ. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. اصفهان.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۸

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۳

انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

کلیدواژه‌ها:

بوشهر،

تجارت،

قاجار،

کنسولگری،

حقوق.

این مقاله به بررسی چالش‌های حقوقی تجارت در بندر بوشهر در واپسین سال‌های دوره قاجار می‌پردازد و تمرکز اصلی آن بر اسناد کنسولی بریتانیا در فاصله ۱۹۱۱-۱۹۱۳ م (۱۲۹۰-۱۲۹۲ ش) است. مسئله اصلی پژوهش، واکاوی ماهیت اختلافات حقوقی تجاری، نحوه مداخله کنسولگری بریتانیا در این دعاوی و تأثیر مناسبات سیاسی زمانه بر شکل‌گیری و محتوای اسناد کنسولی است. روش پژوهش، تاریخی-تحلیلی با رویکرد سندپژوهی و تحلیل کیفی محتواست. جامعه آماری پژوهش را اسناد کنسولی بریتانیا در بندر بوشهر تشکیل می‌دهد که در این مقاله، یک سند شاخص سه‌برگی به صورت مطالعه موردی بررسی شده است. این سند مشتمل بر گزارش‌هایی درباره دعاوی تجاری، اختلافات گمرکی، مطالبات مالی و نحوه حمایت کنسولگری از اتباع و منافع بریتانیاست. بررسی محتوای سند نشان می‌دهد که ضعف ساختار حقوقی و قضایی دولت قاجار در بنادر جنوبی، همراه با رقابت‌های سیاسی و اقتصادی قدرت‌های خارجی، به ویژه بریتانیا، زمینه تولید و کارکرد چنین اسنادی را فراهم کرده است. یافته‌های پژوهش حاکی نشان می‌دهد که اسناد کنسولی افزون بر ارزش اداری و حقوقی، بازتاب‌دهنده مناسبات نابرابر قدرت و ابزاری برای اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی در ساختار تجارت بندری ایران بوده‌اند.



مقدمه

بندر بوشهر در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین کانون‌های تجاری ایران در ارتباط با خلیج فارس و بازارهای جهانی بود. این بندر نه تنها محل رفت و آمد کشتی‌های تجاری اروپایی و هندی محسوب می‌شد، بلکه نقطه اتصال بازارهای داخلی ایران با مسیرهای دریایی بین‌المللی نیز به شمار می‌رفت. کالاهایی که از مرکز و جنوب ایران به مقصد بازارهای خارجی روانه می‌شدند، غالباً از بوشهر عبور می‌کردند و در مقابل بسیاری از اجناس و تولیدات خارجی نیز از همین مسیر وارد می‌شد. به همین دلیل، بوشهر را می‌توان به مثابه حلقه‌ای حیاتی در زنجیره بازرگانی ایران در آستانه قرن بیستم میلادی دانست. با این همه، رونق تجاری این بندر همواره با دشواری‌ها و چالش‌هایی همراه بود. اختلافات حقوقی میان بازرگانان ایرانی و اروپایی، عدم شفافیت در قوانین تجاری، مشکلات مربوط به قراردادهای دیون مالی و همچنین سوءاستفاده از خلأهای حقوقی، از جمله موانعی بودند که روند دادوستد را با پیچیدگی مواجه می‌ساختند. در چنین فضایی، کنسولگری بریتانیا در بوشهر نقشی دوگانه ایفا می‌کرد. از یک سو مرجع حمایت از منافع اتباع انگلیسی و اروپایی بود و از سوی دیگر در مقام داوری و میانجی‌گری میان طرف‌های درگیر ظاهر می‌شد. بررسی دقیق اسناد کنسولی بریتانیا می‌تواند پرتوی تازه بر سازوکارهای تجاری و چالش‌های حقوقی این دوره بیفکند و لایه‌های پنهان روابط اقتصادی و حقوقی جنوب ایران را آشکار سازد. این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر اسناد موجود از ۱۹۱۱-۱۹۱۳م، به چند پرسش بنیادین پاسخ دهد: چالش‌های حقوقی و اختلافات تجاری در بوشهر قاجاری چه ماهیتی داشت؟ کنسولگری بریتانیا چه نقشی در رسیدگی به این اختلافات و شکل‌دهی به سازوکارهای تجاری ایفا می‌کرد؟ و در نهایت، این تعاملات چه تأثیری بر جایگاه بوشهر در شبکه تجاری خلیج فارس و بر مناسبات ایران با قدرت‌های خارجی بر جای گذاشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها به فهم بهتر تاریخ اقتصادی و حقوقی ایران یاری می‌رساند، بلکه نشان می‌دهد چگونه بندری مانند بوشهر در متن رقابت‌های سیاسی و تجاری جهانی، نقشی فراتر از یک گذرگاه ساده ایفا کرده است.

پیشینه پژوهش

بررسی ساختارهای اقتصادی و تجاری ایران در دوره قاجار، به‌ویژه در مناطق جنوبی، در سال‌های اخیر توجه برخی از پژوهشگران تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران را به خود جلب کرده است. آثار محققان، گرچه به صورت کلی به مسئله نفوذ قدرت‌های خارجی و ضعف ساختارهای حکمرانی در ایران قاجاری پرداخته‌اند، اما تمرکز آن‌ها بیشتر بر عرصه سیاست و روابط خارجی بوده تا بسترهای محلی تجارت. به عنوان نمونه بازماندگان خمیری (۱۴۰۲) در مقاله «واکاوی وضعیت تجار و تجارت کرانه‌های خلیج فارس را در آستانه مشروطه با تکیه بر روزنامه مظفری بوشهر»، بیشتر بر بازتاب‌های رسانه‌ای و فضای افکار عمومی تمرکز دارد و به خوبی نقش مطبوعات محلی را در انعکاس دشواری‌های اقتصادی نشان می‌دهد. در مقابل، مقاله حاضر با تمرکز بر سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۱۳م و بر پایه اسناد کنسولی بریتانیا، به ابعاد نهادی، حقوقی و اداری بحران در بوشهر می‌پردازد. این مقاله به جای مطبوعات، به اسناد سیاسی و دیدگاه‌های رسمی خارجی تکیه دارد. از این نظر، تفاوتی روشن از لحاظ دوره زمانی، منابع و رویکرد تحلیلی میان دو پژوهش دیده می‌شود. مروتی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «انجمن بلدیة بوشهر در دوره مشروطه»، بر ساختار اداری و موانع اجرایی نهادهای نوپای شهری تمرکز دارد. این پژوهش بیشتر به جنبه‌های سیاسی و اجتماعی ناکامی بلدیة پرداخته است، نه ابعاد تجاری. در مقابل، مقاله حاضر با تمرکز بر تجارت و اسناد کنسولی، ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی و بحران اعتماد را در عرصه بازرگانی تحلیل می‌کند. دادبخش و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «نقش اقتصادی تجار و تجارتخانه‌های زرتشتیان در دوره قاجار» به جایگاه اقتصادی تجار و تجارتخانه‌های زرتشتی در سطح ملی و تمرکز بر یک گروه مذهبی خاص می‌پردازد و تلاش دارد جایگاه این اقلیت را در اقتصاد دوره قاجار تحلیل کند، درحالی‌که مقاله حاضر نه بر یک گروه خاص، بلکه بر ساختار کلی

تجارت در بندر بوشهر و ناکارآمدی نهادی آن در بازه ۱۹۱۱-۱۹۱۳م تمرکز دارد. از این رو، تفاوت در مقیاس جغرافیایی، رویکرد موضوعی و نوع منابع (اسناد کنسولی) مشهود است. سعیدی نیا (۱۳۸۳) در مقاله «تاریخ روابط سیاسی-اقتصادی ایران و انگلیس در دوره ناصری با تکیه بر حوزه خلیج فارس» بیشتر به روابط کلان میان دولت ایران و بریتانیا در سطوح دیپلماتیک و منافع استعماری انگلیس در منطقه می پردازد، در حالی که مقاله حاضر، بر وضعیت داخلی تجارت بوشهر در سال های پایانی دوره قاجار و بحران اعتماد در ساختارهای محلی تمرکز دارد. تفاوت اصلی در مقیاس تحلیلی، دوره زمانی و نوع منابع مورد استفاده (اسناد کنسولی به جای گزارش های کلان تاریخی) است.

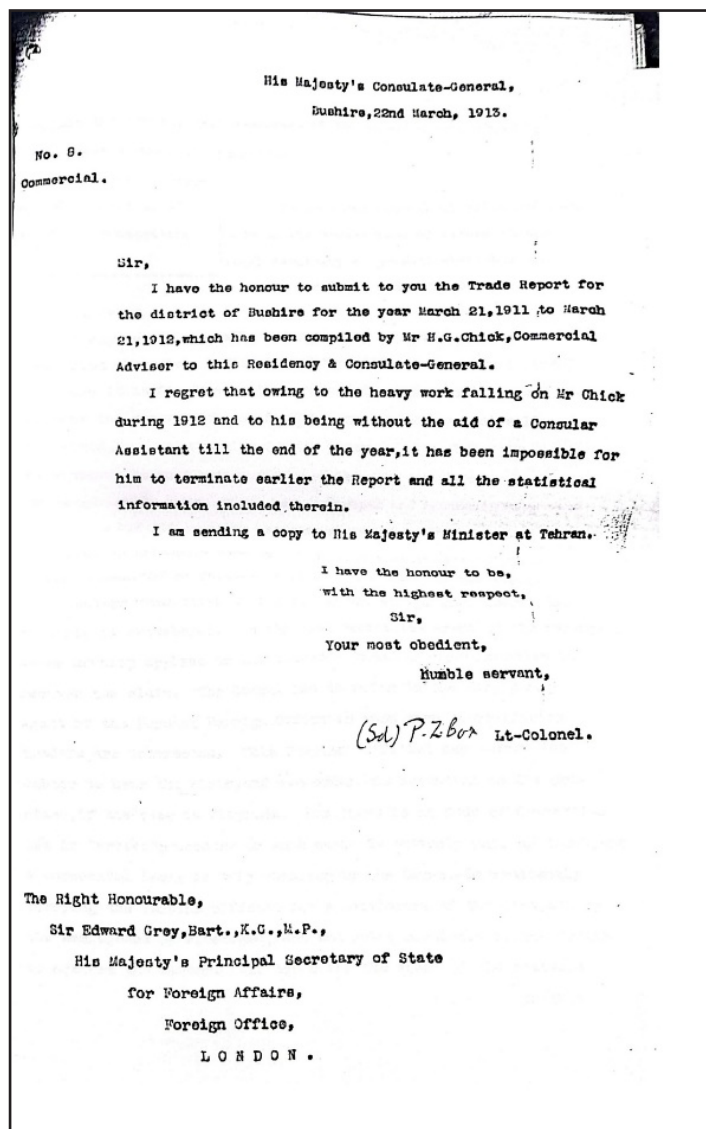
فلور (۱۴۰۰) در کتاب بوشهر: شهر، جامعه و تجارت (۱۷۹۷-۱۹۴۷)، به صورت گسترده به تحولات ساختاری و اجتماعی شهرهای جنوبی ایران، به ویژه بوشهر، در بستر تجارت جهانی و تحولات بلندمدت تاریخی می پردازد. این اثر با رویکردی کلان و تحلیلی، تغییرات در مناسبات اقتصادی، تأثیر تجارت خارجی و تحولات شهری را در طول یک و نیم قرن بررسی می کند. در مقابل، پژوهش حاضر بر یک بازه زمانی محدود تمرکز دارد و با استفاده از اسناد کنسولی بریتانیا، به بررسی جزئی تر بحران اعتماد و ناکارآمدی سازوکارهای تجاری در بوشهر می پردازد. تفاوت اساسی در محدوده زمانی، سطح تحلیل (کلان در برابر خرد) و نوع منابع مورد استفاده است. چمن کار (۱۳۹۵) در مقاله «علل و زمینه های محرومیت و توسعه نیافتگی کرانه ها و پس کرانه های خلیج فارس و دریای عمان در عصر قاجاریه» با رویکردی کلان و ساختاری به عوامل اقتصادی، جغرافیایی و سیاست های کلان دولت قاجار می پردازد. در مقابل، مقاله حاضر با تمرکز بر بندر بوشهر، رویکردی خرد و سندمحور دارد و چالش های حقوقی تجارت را بر اساس اسناد کنسولی بریتانیا در بازه ۱۹۱۱-۱۹۱۳م بررسی می کند. بدین ترتیب، تفاوت اصلی دو پژوهش در سطح تحلیل، نوع منابع و تمرکز بر ابعاد حقوقی و مداخله کنسولی در مناسبات تجاری است. در مجموع، پژوهش های پیشین هر یک از منظر خاصی به موضوعات اقتصادی و اجتماعی جنوب ایران در دوره قاجار پرداخته اند. برخی مانند بازماندگان خمیری بر مطبوعات محلی و فضای پیشامشروطه تمرکز دارند و برخی چون مروتی به ناکامی نهادهای نوظهور شهری می پردازند. مطالعاتی نظیر اثر دادبخش به اقلیت های مذهبی و پژوهش های کلان نگری چون فلور به تحولات درازمدت تجاری توجه داشته اند. مقاله حاضر با تکیه بر اسناد کنسولی بریتانیا، به طور خاص به تجارت و چالش های حقوقی در بوشهر قاجاری از ۱۹۱۱-۱۹۱۳م می پردازد. از این رو، پژوهش حاضر از حیث منابع، بازه زمانی و زاویه تحلیل، رویکردی متفاوت و مکمل دارد.

روش پژوهش

مبنای اصلی این پژوهش، اسناد کنسولی بریتانیا در بوشهر طی ۱۹۱۱-۱۹۱۳م است. مهم ترین سند، گزارش سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر (۱۹۱۳م)، بند هشتم (تصویر ۱) است که به طور ویژه به مسائل تجاری و اختلافات حقوقی میان تجار ایرانی و خارجی پرداخته است.^۱ علاوه بر این گزارش، دو پرونده کلیدی در آرشیو وزارت خارجه بریتانیا، شامل FO ۲۴۸/۱۰۴۷ (گزارش ها و مکاتبات مربوط به تجارت بوشهر در ۱۹۱۱م) و FO 248/1068 (پرونده های اختلافات تجاری و حقوقی ۱۹۱۲-۱۹۱۳م) بررسی شده اند. این اسناد تصویری روشن از چگونگی مداخله کنسولگری در حل و فصل دعاوی، نقش آن در میانجی گری اختلافات و نیز محدودیت های حقوقی نظام قاجاری در برابر نفوذ قدرت های استعماری ارائه می دهند. روش پژوهش مبتنی بر تحلیل محتوای اسناد تاریخی است. در گام نخست، محتوای گزارش های کنسولی از منظر مفاهیم کلیدی (مانند قرارداد، دعاوی تجاری، بدهی، نفوذ کنسولی و کارکرد نهادهای حقوقی) استخراج و طبقه بندی شده است. سپس با روش مقایسه ای، داده های موجود در اسناد بریتانیایی با منابع ایرانی هم عصر (از جمله گزارش های داخلی وزارت امور خارجه، سفرنامه ها و آثار مورخان ایرانی) تطبیق داده شده تا از یک سوئی بودن روایت ها جلوگیری شود.

۱. مراتب قدردانی از دکتر مرتضی نورائی به دلیل فراهم سازی مجموعه اسناد کنسولی مستند در این پژوهش، ابراز می گردد.

این مقایسه امکان بازسازی دقیق‌تر از بستر حقوقی و تجاری بوشهر قاجاری را فراهم کرده است. استفاده از اسناد کنسولی با محدودیت‌ها و ملاحظات خاصی همراه است. نخست آنکه این اسناد بازتاب‌دهنده دیدگاه استعماری بریتانیا هستند و اغلب در جهت توجیه مداخلات سیاسی و اقتصادی نگاشته شده‌اند. دوم آنکه دسترسی به اسناد ایرانی در موضوعات مشابه محدودتر است و این امر سبب می‌شود در برخی موارد روایت بریتانیایی بر منابع بومی غلبه کند. سوم، بخشی از مکاتبات کنسولی به دلایل آرشیوی ناقص یا پراکنده است، بنابراین تفسیر آن‌ها نیازمند دقت و پرهیز از نتیجه‌گیری‌های شتاب‌زده است. در نهایت، پژوهشگر ناگزیر است همواره با رویکردی انتقادی و با در نظر گرفتن زمینه‌های سیاسی و استعماری، داده‌های این اسناد را مورد تحلیل قرار دهد.



تصویر ۱: سند کنسولی انگلیس: شماره ۸

بوشهر در بستر تجارت خلیج فارس

جایگاه بندر بوشهر در شبکه مبادلات داخلی و خارجی: بندر بوشهر از قرن هجدهم میلادی به تدریج جایگزین بندر گمبرون (بندرعباس) شد و تا اواخر دوره قاجار به مهم‌ترین بندر تجاری ایران در خلیج فارس تبدیل گردید. نزدیکی جغرافیایی بوشهر به شیراز و راه‌های کاروانی اصفهان و تهران، موجب شد که کالاهای وارداتی به سرعت در بازار داخلی ایران توزیع شوند. مبنی بر دیدگاه مکی، بوشهر در قرن نوزدهم میلادی «دروازه اصلی تجارت خارجی ایران» بود و بدون آن «ارتباط اقتصادی ایران با جهان بیرون تقریباً فلج می‌شد.» (مکی، ۱۳۷۴: ۲۴۷/۱) نقش بوشهر در مبادلات خارجی نیز چشمگیر بود. این بندر محل ورود عمده منسوجات هندی و اروپایی و محل خروج کالاهایی چون فرش، تریاک و محصولات کشاورزی محسوب می‌شد، چنانکه از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، کمپانی‌های انگلیسی به‌ویژه کمپانی هند شرقی، شبکه حمل‌ونقل دریایی خود را بر محور بوشهر تنظیم کردند و این بندر را پایگاه اصلی خود در خلیج فارس ساختند. (محمود، ۱۳۶۳: ۹۲) از منظر تجارت داخلی، بوشهر حلقه اتصال مهمی میان خلیج فارس و شهرهای مرکزی ایران بود. کالاهایی که از طریق کشتی‌های انگلیسی و هندی به این بندر می‌رسیدند، از راه جاده بوشهر-شیراز و سپس مسیرهای کاروانی به اصفهان و تهران منتقل می‌شدند و این راه‌های زمینی «شریان‌های حیاتی بودند که کالاهای وارداتی را از بوشهر به بازارهای مرکزی ایران می‌رسانند.» (Floor, ۲۰۰۶: ۱۱۸) در مقیاس منطقه‌ای، بوشهر نه تنها با بازارهای داخلی ایران بلکه با اقتصاد خلیج فارس و هند نیز پیوند داشت. بسیاری از تجار ایرانی و هندی دفاتر مشترکی در بوشهر تأسیس کرده بودند و این شهر به «گره تجاری سه جانبه میان ایران، هند و خلیج فارس» بدل شده بود. (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۰) به همین دلیل، بوشهر در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی، نقشی فراتر از یک بندر محلی ایفا می‌کرد و عملاً دروازه ورود ایران به نظام اقتصاد جهانی بود.

نقش بوشهر در پیوند بازار ایران با هند و اروپا: بوشهر از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، دروازه اصلی ورود کالاهای هندی به ایران بود. منسوجات، چای، شکر و سایر کالاهای مصرفی نخست از بندر بمبئی وارد بوشهر می‌شد و سپس به شهرهای مرکزی ایران انتقال می‌یافت. محمود تصریح می‌کند که «ارتباط تجاری ایران با هند، از طریق بوشهر به صورت مداوم جریان داشت و این بندر، پل میان اقتصاد ایران و شبه قاره بود.» (محمود، ۱۳۶۳: ۲۱۲) در کنار این پیوند با هند، بوشهر نقشی مهم در ارتباط ایران با اروپا نیز ایفا می‌کرد. به نوشته کرزن، کالاهای انگلیسی، آلمانی و حتی روسی از طریق این بندر وارد ایران می‌شدند و بوشهر به «بازارچه‌ای بین‌المللی» در خلیج فارس شباهت پیدا کرده بود. (کرزن، ۱۳۵۰: ۴۰۸/۲) حضور شرکت‌های آلمانی در عرصه صادرات خرما و فرش و نیز تلاش روس‌ها برای افزایش نفوذ اقتصادی‌شان در بوشهر، جایگاه این بندر را بیش از پیش به کانون رقابت قدرت‌های اروپایی تبدیل کرد. همچنین، بندر بوشهر حلقه واسط مهمی میان تجارت دریایی و کاروانی ایران بود. کالاهای اروپایی و هندی که از طریق کشتی‌های بخار به بوشهر می‌رسیدند، از راه زمینی به شیراز و سپس به اصفهان و تهران منتقل می‌شدند. متعاقباً، این پیوند دریایی و زمینی «به بوشهر موقعیتی یگانه بخشید که هیچ بندر دیگری در ایران با آن برابری نمی‌کرد.» (غنی، ۱۳۷۷: ۷۴) در سطح کلان، بوشهر عملاً نقطه تلاقی منافع هند بریتانیا با اقتصاد ایران و بازارهای اروپا بود. به گفته فلور، سیاست‌های استعماری بریتانیا در قرن نوزدهم میلادی باعث شد که «بوشهر به قلب تجارت خارجی ایران بدل شود و نقش آن در پیوند شرق و غرب غیرقابل انکار گردد.» (Floor, 2006: 142) این موقعیت ممتاز، بوشهر را در آستانه قرن بیستم به یکی از مراکز کلیدی شبکه اقتصاد جهانی در خلیج فارس تبدیل کرد.

اهمیت بندر بوشهر در معادلات اقتصادی پیش از جنگ جهانی اول: در آستانه جنگ جهانی اول، بوشهر نقش راهبردی خود را در تجارت ایران و خلیج فارس بیش از پیش تثبیت کرد. این بندر نه تنها مرکز دادوستد کالاهای داخلی و خارجی بود، بلکه محل رقابت قدرت‌های استعماری بر سر نفوذ اقتصادی در جنوب ایران به شمار می‌رفت. به گفته

فلور، «بوشهر در آغاز قرن بیستم یکی از نقاط حساس اقتصادی و سیاسی ایران بود، چراکه کنترل آن به معنای تسلط بر جریان تجارت دریایی و زمینی جنوب کشور بود.» (Floor, 2006: 205) بریتانیا برای حفظ موقعیت اقتصادی خود، حضور کنسولی و نظارت بر فعالیت‌های تجاری در بوشهر را تقویت کرد. این اقدامات شامل کنترل واردات و صادرات، رسیدگی به شکایات تجار انگلیسی و ایجاد سازوکارهایی برای حل اختلافات تجاری بود. محمود تصریح می‌کند که «کنسولگری بریتانیا در بوشهر، علاوه بر وظایف سیاسی، نقش داوری در مبادلات تجاری میان بازرگانان ایرانی و اروپایی را نیز ایفا می‌کرد.» (محمود، ۱۳۶۳: ۱۰۵) رقابت آلمان، روسیه و حتی هند بریتانیا باعث شد که بوشهر به نقطه‌ای استراتژیک در معادلات اقتصادی منطقه تبدیل شود. اسناد و تحلیل‌های تاریخی نشان می‌دهند که حضور فعال شرکت‌های آلمانی در صادرات فرش و محصولات کشاورزی و همچنین نفوذ روس‌ها در تجارت دریایی، اهمیت بوشهر را به یک کانون کلیدی در شبکه تجارت بین‌المللی ایران ارتقاء داد. (مکی، ۱۳۷۴: ۲۶۰/۱)

بررسی منابع ثانویه تاریخی نشان می‌دهد که بوشهر از اواسط قرن نوزدهم میلادی تا پیش از جنگ جهانی اول، نقش حیاتی در اقتصاد ایران و منطقه خلیج فارس ایفاء می‌کرد. این بندر هم به عنوان دروازه ورود کالاهای خارجی از جمله منسوجات هندی، چای و شکر و هم به عنوان مرکز صادرات محصولات ایرانی مانند فرش، خرما و محصولات کشاورزی به بازارهای هند و اروپا عمل می‌کرد. بوشهر علاوه بر نقش تجاری، یک کانون استراتژیک در شبکه حمل و نقل داخلی ایران بود. کالاهای وارداتی پس از تخلیه در این بندر، از راه کاروان‌ها به شیراز، اصفهان و تهران منتقل می‌شدند و بدین ترتیب جریان تجارت داخلی کشور به طور مستقیم به عملکرد این بندر وابسته بود. همچنین، اهمیت بوشهر در معادلات اقتصادی منطقه‌ای و رقابت قدرت‌های استعماری برجسته بود. حضور بریتانیا برای کنترل تجارت و نظارت بر اختلافات تجاری و تلاش آلمان و روسیه برای نفوذ اقتصادی، نشان می‌دهد که این بندر نه تنها مرکز تجارت، بلکه نقطه حساس سیاست اقتصادی ایران در جنوب بود. در نتیجه، بوشهر به عنوان قلب اقتصادی جنوب ایران و نقطه اتصال تجارت داخلی و بین‌المللی، زمینه را برای ظهور چالش‌های حقوقی و رقابت تجاری فراهم آورده بود. این جایگاه تاریخی، مقدمه‌ای است برای بررسی دقیق‌تر سازوکارهای تجاری، اختلافات حقوقی و نقش کنسولگری بریتانیا که در ادامه مقاله تحلیل خواهند شد.

تجارت بوشهر در سال منتهی به ۳۱ مارس ۱۹۱۳م (۱۲۹۳ش)

وضع عمومی تجارت: گزارش سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر مورخه ۳۱ مارس ۱۹۱۳م نشان می‌دهد که تجارت این بندر همچنان رونق داشته، هرچند تحت تأثیر نوسانات سیاسی در خلیج فارس و بحران‌های مالی داخلی ایران قرار گرفته بود. طبق این گزارش، ارزش کل تجارت بوشهر در آن سال نسبت به سال پیشین افزایش اندکی داشت، اما مشکلات گمرکی و تعارضات حقوقی میان تجار ایرانی و نمایندگان کمپانی‌های خارجی، گاه موجب اختلال در روند مبادلات می‌شد. (Brit- ish Consulate, Bushire, 1913: 8) فلور نیز تأکید می‌کند که بوشهر در آغاز قرن بیستم میلادی، با وجود محدودیت‌های حقوقی و رقابت بندرعباس، همچنان شاهراه اصلی تجارت ایران با هند و اروپا بود. (Floor, 2006: 189)

صادرات اصلی: در صادرات، کالاهایی چون خرما، تریاک، پشم و موی بز در صدر قرار داشتند. خرما و بوشهر و نخلستان‌های اطراف آن، یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی به هند و بین‌النهرین به شمار می‌رفت. تریاک، عمدتاً از مناطق فارس و کرمان به بوشهر منتقل می‌شد و پس از بسته‌بندی، به هند و چین صادر می‌گردید. (FO248/1068.1913) پرویز نیز در پژوهش خود می‌نویسد که صادرات مواد خام، به ویژه تریاک و پشم، موجب وابستگی شدید اقتصاد محلی به تقاضای خارجی بود. (سیف، ۱۳۷۴: ۲۴۴)

واردات اصلی: واردات بوشهر در همان سال بیشتر شامل منسوجات پنبه‌ای هندی و انگلیسی، شکر هندی، چای

سیلان و چین و کالاهای مصرفی اروپایی چون قند، شیشه و فلزات بود. وابستگی بازار داخلی ایران به منسوجات وارداتی، به ویژه پارچه های انگلیسی، یکی از محورهای مورد توجه سرکنسولگری بریتانیا بود، زیرا این امر را نشانه ای از نفوذ اقتصادی انگلستان در جنوب ایران قلمداد می کرد. (۱۰۶۸/۱۹۱۳/FO۲۴۸) لاکهارت نیز این روند را بخشی از فرایند ادغام اجباری اقتصاد ایران در شبکه تجاری جهانی می داند. (۳۱۱: Lockhart: ۱۹۵۸)

بازار و شبکه های تجاری: بازار بوشهر در این سال متأثر از حضور شبکه های تجاری متنوعی بود: تجار هندی (عمدتاً پارسیان و بانیان)، تجار بومی فارس و بوشهر و نمایندگان کمپانی های اروپایی. کنسولگری بریتانیا نقش میانجی در دعاوی حقوقی بین این گروه ها داشت و همین امر سبب شده بود که اسناد کنسولی بخش بزرگی از اختلافات تجاری را ثبت کنند. (۱۰۶۸/۱۹۱۳/FO۲۴۸) فلور تأکید می کند که این شبکه ها با وجود رقابت، در یک بستر هم پوشان فعالیت می کردند و بازار بوشهر به نوعی میدان تعامل و تقابل تجار محلی و خارجی بود. (Floor, ۲۰۰۶: ۱۹۵) در مجموع، تجارت بوشهر در سال منتهی به ۳۱ مارس ۱۹۱۳م ترکیبی از رونق نسبی صادرات خرما، تریاک و پشم و وابستگی شدید به واردات منسوجات و کالاهای مصرفی خارجی را نشان می دهد. گزارش کنسولگری بریتانیا نه تنها وضعیت اقتصادی، بلکه مشکلات حقوقی و رقابت های تجاری را نیز آشکار می سازد. بنابراین، بوشهر در این دوره نقطه تلاقی منافع محلی، منطقه ای و استعماری بود. بندری که دروازه ایران به خلیج فارس و درعین حال عرصه چالش های حقوقی ناشی از حضور قدرت های خارجی محسوب می شد.

چالش های حقوقی و تجاری در اسناد کنسولی

اختلافات میان تجار ایرانی و اروپایی: اسناد کنسولی بریتانیا نشان می دهد که بخش عمده ای از مشکلات تجاری در بوشهر ناشی از اختلاف میان تجار ایرانی و اروپایی بود. در گزارش سال منتهی به ۳۱ مارس ۱۹۱۳م (بند ۸)، سرکنسول بریتانیا به موارد متعددی اشاره می کند که در آن تجار ایرانی قراردادهای خود را به طور کامل اجرا نکرده یا با تأخیر و بهانه جویی از ایفاء تعهدات سر باز زده اند. این وضعیت باعث نارضایتی نمایندگان کمپانی های اروپایی شد و آنان بارها از کنسولگری خواستند تا در مقام داور مداخله کند. (8: British Consulate, Bushire, 1913) چنین اختلافاتی بیانگر شکاف حقوقی و نبود سازوکار مشترک برای تنظیم روابط میان بازیگران داخلی و خارجی بود.

دعاوی مربوط به بدهی ها و قراردادها: بخش دیگری از چالش ها مربوط به بدهی ها و قراردادهای مالی بود. تجار ایرانی گاه به دلیل بحران نقدینگی یا نوسانات بازار از پرداخت بدهی خود به تجار اروپایی خودداری می کردند. در کتاب اسناد کارگزاری بوشهر، نورایی با انتشار اسناد متعددی از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، به نمونه هایی اشاره می کند که در آن ها کارگزاران ایرانی و تجار اروپایی به دلیل بدهی های معوق یا عدم اجرای مفاد قرارداد به منازعه پرداخته اند. (نورایی، ۱۳۸۵: ۱۴) این اسناد نشان می دهد که دعاوی مالی نه تنها روابط تجاری را خدشه دار می کرد، بلکه بهانه ای برای دخالت بیشتر کنسولگری های خارجی در امور داخلی ایران فراهم می ساخت.

مشکل شفافیت قوانین و سوءاستفاده از خلأ های حقوقی: یکی از نکات کلیدی در گزارش ۱۹۱۳م (بند ۸) تأکید بر نبود قوانین شفاف تجاری در ایران است. کنسول بریتانیا تصریح می کند که بسیاری از مشکلات ناشی از عدم آگاهی کارگزاران ایرانی از قوانین تجاری مدرن و نیز خلأ های قانونی در نظام حقوقی داخلی بود. این شرایط امکان سوءاستفاده را برای برخی تجار فراهم می کرد، به گونه ای که طرفین می توانستند با استناد به ابهام در قراردادها یا نبود مرجع قضایی مقتدر، از انجام تعهداتشان خودداری کنند. (8: British Consulate, Bushire, 1913) چنین خلأ هایی سبب شد که اختلافات ساده به بحران های بزرگ تجاری تبدیل شود و در نهایت، کنسولگری های خارجی عملاً نقش نهادهای قضایی را بر عهده گیرند.

جایگاه کنسولگری بریتانیا در داوری و اختلافات: کنسولگری بریتانیا نه تنها ناظر بر روند تجارت، بلکه داور اصلی در بسیاری از دعاوی تجاری محسوب می‌شد. اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا نشان می‌دهد که کنسولگری بوشهر در موارد متعدد به عنوان مرجع نهایی داوری پذیرفته شده بود، به‌ویژه زمانی که یکی از طرفین دعوا تبعه بریتانیا یا مرتبط با کمپانی‌های انگلیسی بود. (FO 248/1047.1912) این جایگاه کنسولگری بیانگر آن است که حضور قدرت‌های استعماری تنها به حوزه سیاسی محدود نبود، بلکه به‌طور مستقیم در ساختار حقوقی و تجاری ایران نیز نفوذ می‌یافت. بدین ترتیب، کنسولگری بریتانیا به نوعی نهاد مکمل دستگاه قضایی ایران در بوشهر تبدیل شده بود. بر اساس اسناد کنسولی، تجارت بوشهر در اوایل قرن بیستم میلادی با مشکلات حقوقی متعددی مواجه بود. از اختلافات میان تجار ایرانی و اروپایی گرفته تا بدهی‌ها، قراردادهای نیمه‌تمام و نبود شفافیت قانونی. این وضعیت موجب شد که کنسولگری بریتانیا نقشی فراتر از یک نهاد دیپلماتیک ایفا کرده و عملاً به مرجع داوری در اختلافات تجاری بدل شود. بنابراین، بررسی این اسناد نه تنها تصویر روشنی از چالش‌های حقوقی ارائه می‌دهد، بلکه نفوذ تدریجی قدرت‌های خارجی در نظام اقتصادی و قضایی ایران را نیز آشکار می‌سازد.

راهکارها و اصلاحات پیشنهادی کنسولگری و واکنش تجار ایرانی

پیشنهاد آموزش و آشنایی کارگزاران ایرانی با قوانین تجاری: در گزارش سال ۱۹۱۳م سرکنسول بریتانیا (بند ۸) به صراحت بیان شده است که یکی از ریشه‌های اصلی اختلافات تجاری، ناآشنایی کارگزاران و تجار ایرانی با اصول و مقررات تجارت بین‌المللی بود. او پیشنهاد می‌کند که برای پیشگیری از دعاوی حقوقی، کارگزاران ایرانی باید با قوانین مدرن تجاری و شیوه‌های تنظیم قرارداد آشنا شوند. (British Consulate, Bushire, 1913: 8) این پیشنهاد نشان‌دهنده تلاش کنسولگری برای ایجاد نوعی نظم حقوقی هماهنگ با منافع کمپانی‌های اروپایی بود.

ضرورت انجام تحقیقات رسمی و مستندسازی معاملات: کنسولگری همچنین بر اهمیت تحقیقات رسمی در مورد دعاوی و الزام تجار به ثبت قراردادها تأکید داشت. نبود مستندسازی دقیق در معاملات باعث شده بود بسیاری از اختلافات تنها بر اساس شهادت شفاهی یا عرف محلی بررسی شود که این امر فضا را برای تقلب و تأویل باز می‌کرد. به باور سرکنسول، ایجاد نظام ثبت رسمی قراردادها می‌توانست بسیاری از مشکلات را برطرف کند. (FO248/1068.1913) پژوهش نورایی نیز بر این نکته تأکید دارد که در اسناد کارگزاری بوشهر موارد متعددی از اختلافات ناشی از قراردادهای غیررسمی مشاهده می‌شود. (نورایی، ۱۳۸۵: مقدمه ۱۷)

شفافیت در قضاوت و داوری: یکی دیگر از راهکارهای مطرح‌شده در اسناد کنسولی، شفافیت در روند قضاوت و داوری دعاوی تجاری بود. کنسولگری بریتانیا پیشنهاد می‌کرد که داوری‌ها باید بر اساس معیارهای ثابت و قابل پیش‌بینی انجام گیرد تا طرفین دعوا از نتایج مطمئن باشند. در غیر این صورت، بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی ایران افزایش می‌یافت و تجار خارجی بیش از پیش برای داوری به کنسولگری متوسل می‌شدند. (FO 248/1047.1912) فلور نیز تأکید می‌کند که یکی از نقاط ضعف تجارت جنوب ایران، نبود دستگاه قضایی کارآمد و قابل اعتماد برای بازرگانان بود. (Floor, 2006: 197)

واکنش تجار ایرانی به اصلاحات پیشنهادی: تجار ایرانی نسبت به مداخلات کنسولگری واکنش‌های دوگانه‌ای نشان دادند. گروهی از تجار بزرگ، به‌ویژه افرادی که با شبکه‌های تجاری خارجی در ارتباط بودند، از اصلاحات استقبال می‌کردند، زیرا آن را موجب تضمین منافع خود می‌دانستند. در مقابل، بسیاری از تجار محلی این مداخلات را دخالت مستقیم در امور داخلی تلقی کرده و آن را تهدیدی برای استقلال حقوقی و عرف تجاری ایران می‌دانستند. برخی اسناد نشان می‌دهد که تجار بوشهر گاه از پذیرش داوری کنسولگری خودداری کرده و دعاوی خود را به محاکم شرعی یا عرفی

ارجاع می‌دادند. (۱۰۶۸/۱۹۱۳/FO۲۴۸) این واکنش‌ها بیانگر کشاکش میان دو الگوی حقوقی - سنتی و استعماری - در فضای تجاری بوشهر بود. کنسولگری بریتانیا در اوایل قرن بیستم میلادی مجموعه‌ای از اصلاحات پیشنهادی شامل آموزش کارگزاران، ثبت رسمی قراردادها و شفافیت در داوری ارائه داد تا از اختلافات تجاری بکاهد، اما واکنش تجار ایرانی نشان داد که این اصلاحات نه تنها جنبه اقتصادی، بلکه تبعات سیاسی و هویتی نیز داشت. درواقع، پیشنهادهای کنسولگری بخشی از فرایند نفوذ حقوقی و قضایی بریتانیا در جنوب ایران بود که با مقاومت بخشی از جامعه تجاری مواجه گردید.

پیامدهای اجتماعی و اقتصادی اختلافات حقوقی در بوشهر قاجاری

تأثیر بر معیشت تجار و اصناف بوشهر: اختلافات حقوقی میان تجار ایرانی و اروپایی، به‌ویژه در دعاوی مربوط به بدهی‌ها و قراردادها، پیامد مستقیمی بر وضعیت معیشتی بازاریان بوشهر نهاد. بسیاری از تجار ایرانی به دلیل ضعف قوانین داخلی و برتری حقوقی کنسولی اروپایی، بخشی از سرمایه و کالاهایشان را از دست داده و اعتماد به بازار بومی کاهش یافت. این روند، بر اساس گزارش‌های معاصر بریتانیا و تحلیل‌های پژوهشگران بعدی، به تضعیف موقعیت تجار بومی در برابر اروپاییان منجر شد. (محمود، ۱۳۶۳: ۲/۲۴۷)

گسترش بی‌اعتمادی در میان تجار ایرانی: تکرار دعاوی و داوری‌های جانب‌دارانه موجب شد تا تجار ایرانی نسبت به معاملات کلان با اروپاییان بی‌اعتماد شوند. برخی حتی سرمایه‌هایشان را به بنادر دیگر خلیج فارس مانند بصره منتقل کردند. هاپکرک در بررسی رقابت‌های استعماری در منطقه نشان می‌دهد که کنسولگری‌های اروپایی عملاً با ایجاد فضای ناامن، تجار ایرانی را از صحنه رقابت خارج می‌کردند. (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۱۵۹)

نقش اقلیت‌های تجاری: گروه‌هایی مانند هندی‌ها، یهودیان و ارامنه، به سبب ارتباط نزدیک با کنسولگری‌های اروپایی، در بسیاری از معاملات از حمایت‌های حقوقی ویژه برخوردار بودند. این امتیاز موجب شد آنان جایگاه اقتصادی بهتری نسبت به تجار مسلمان ایرانی به دست آورند. رایت اشاره می‌کند که شبکه‌های تجاری اقلیت‌ها اغلب در پیوند با مأموران کنسولی عمل کرده و همین موضوع باعث تحکیم جایگاه اقتصادی آنان در بنادر خلیج فارس شد. (رایت، ۱۳۵۹: ۲۲۵)

تشدید نابرابری میان تجار ایرانی و اروپایی: خلأهای حقوقی و داوری‌های یک‌سویه، به ابزاری برای سلطه اقتصادی اروپاییان بر بوشهر بدل گردید. در مواردی، دعاوی ساده میان تجار، به بهانه‌ای برای مداخله کنسولی و صدور احکام به نفع اروپاییان منجر شد. این امر به مرور سبب شد سرمایه و سود تجارت خارجی بیشتر در اختیار آنان قرار گیرد و تجار ایرانی به حاشیه رانده شوند. (محمود، ۱۳۶۳: ۲/۲۵۱؛ هاپکرک، ۱۳۷۹: ۱۶۳) اختلافات حقوقی در بوشهر قاجاری، تنها چالش قضایی نبود، بلکه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای داشت. این روند به کاهش اعتماد تجار ایرانی، تقویت موقعیت اقلیت‌های تجاری وابسته به کنسولگری‌ها و سلطه روزافزون اروپاییان بر تجارت منجر شد. درنتیجه، بوشهر به یکی از مهم‌ترین کانون‌های نفوذ استعماری در جنوب ایران تبدیل گردید.

نتیجه

بررسی اسناد کنسولی بریتانیا در فاصله ۱۹۱۱-۱۹۱۳م نشان داد که بوشهر، فراتر از یک بندر تجاری، به صحنه‌ای پیچیده از تقابل منافع اقتصادی، حقوقی و سیاسی تبدیل شده بود. جایگاه ممتاز بوشهر در شبکه مبادلات داخلی و خارجی، این بندر را به کانونی بدل کرده بود که در آن، کالا، سرمایه و قدرت سیاسی در هم می‌آمیختند. گزارش‌های سرکنسولگری بریتانیا نشان می‌دهد که تجارت صرفاً یک فعالیت اقتصادی نبود، بلکه عرصه‌ای بود که از رهگذر آن

مناسبات استعماری، رقابت‌های بین‌المللی و حتی تحولات اجتماعی درون ایران بازتاب می‌یافت. یافته‌ها نشان می‌دهد که چالش‌های حقوقی و تجاری در بوشهر قاجاری، نه فقط از ضعف قوانین داخلی، بلکه از استفاده هدفمند قدرت‌های استعماری از خلأهای حقوقی سرچشمه می‌گرفت. دعاوی مربوط به بدهی‌ها و قراردادهای که در ظاهر اختلافات روزمره میان تجار بودند، در عمل ابزارهایی برای تثبیت نفوذ کنسولی و حاشیه‌راندن تجار بومی شدند. نکته مهم این است که اسناد نشان می‌دهند چگونه اختلافی بر سر یک قرارداد ساده یا تأخیر در پرداخت دین، می‌توانست به بهانه‌ای برای دخالت سیاسی بریتانیا در امور داخلی ایران بدل شود. همچنین، مطالعه این اسناد، وجهی کمتر شناخته شده را آشکار می‌سازد: بوشهر نه تنها میدان رقابت اقتصادی، بلکه آزمایشگاهی برای «حقوق استعماری» بود؛ جایی که قواعد حقوقی به طور گزینشی برای حمایت از اتباع اروپایی به کار گرفته می‌شد و هم‌زمان زمینه‌های بی‌اعتمادی و فروپاشی پیوندهای سنتی بازار ایرانی را فراهم می‌کرد. این فرآیند، به نوبه خود، ساختار اجتماعی و اقتصادی بندر را دگرگون کرد و موقعیت اقلیت‌های وابسته به کنسولگری‌ها را تقویت نمود. از این منظر، می‌توان بیان داشت که اسناد کنسولی بریتانیا در بوشهر، نه فقط تاریخ تجارت، بلکه تاریخ «مهندسی قدرت» را بازتاب می‌دهند. قدرتی که از درون قراردادهای، دعاوی و داوری‌ها شکل گرفت و آینده تجارت خلیج فارس را در آغاز سده بیستم میلادی رقم زد. این نکته برای پژوهشگران تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران بکر و راهگشا است: دریافت این‌که مسیر سلطه استعماری، بیش از آنکه از جنگ‌ها گذشته باشد، از لایه‌لای دفاتر تجاری و دادخواست‌های حقوقی عبور کرده است.

منابع

- بازماندگان خمیری، احمد. (۱۴۰۲). «واکاوی وضعیت تجار و تجارت کرانه‌های خلیج فارس در آستانه انقلاب مشروطه با تکیه بر روزنامه مظفری». پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران. (شماره ۲۳)، ۸۶-۹۶.
- چمنکار، محمدجعفر. (۱۳۹۵). «علل و زمینه‌های توسعه نیافتگی کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان در عصر قاجاریه». تاریخ اسلام و ایران. (شماره ۲۲)، ۵۹-۸۶.
- دادبخش، مسعود؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «نقش اقتصادی تجار و تجارتخانه‌های زرتشتیان در دوره قاجار». مطالعات ایران‌شناسی. (شماره ۱۹)، ۷-۲۴.
- رایت، دنیس. (۱۳۵۹). انگلیسی‌ها در میان ایرانیان. ترجمه لطفعلی خنجی. تهران: امیرکبیر.
- سعیدی‌نیا، حبیب‌الله. (۱۳۸۳). «تاریخ روابط سیاسی اقتصادی ایران و انگلیس در دوره ناصری (با تکیه بر حوزه خلیج فارس)». تاریخ روابط خارجی. (شماره ۲۱)، ۸۹-۱۱۸.
- سیف، احمد. (۱۳۷۴). اقتصاد ایران در قرن نوزدهم. تهران: چشمه.
- غنی، سیروس. (۱۳۷۷). برآمدن رضاخان: برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها. ترجمه حسن کامشاد. تهران: نیلوفر.
- فلور، ویلم. (۱۴۰۰). بوشهر: شهر، جامعه و تجارت (۱۷۹۷-۱۷۹۷). ترجمه اسماعیل نبی‌پور. بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- کرزن، جورج. ن. (۱۳۵۰). ایران و قضیه ایران. ج ۲. ترجمه ع. وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمود، محمود. (۱۳۶۳). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم. تهران: امیرکبیر.
- محمدی، مجتبی. (۱۳۹۶). «بررسی تعاملات اقتصادی-اجتماعی کازرون و بوشهر در دوره قاجار». تاریخ‌نامه خوارزمی. (شماره ۱۹)، ۹۹-۱۲۹.
- مکی، حسین. (۱۳۷۴). تاریخ بیست ساله ایران. ج ۱. تهران: علمی.

- مروتی، زهرا؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «انجمن بلدیة بوشهر در دوره مشروطه و علل و عوامل ناکامی آن». تاریخ و تمدن ملل اسلامی. (شماره ۲)، ۱۴۳-۱۶۶.
- نورائی، مرتضی. (۱۳۸۵). اسناد کارگزاری بوشهر. تهران: موسسه مطالعات معاصر ایران (شعبه بوشهر).
- هاپکیرک، پیتر. (۱۳۷۹). بازی بزرگ: عملیات جاسوسی روس و انگلیس در آسیای مرکزی و ایران. ترجمه رضا کامشاد. تهران: نیلوفر.

- Floor, Willem. (1999). "The Persian Gulf: A Political and economic History of Five Port Cities, 1500-1730". Washington DC: Mage Publishers.
- Floor, Willem. (2006). "The Persian Gulf: The Rise of Gulf Arabs, 1747-1792". Washington DC: Publishers.
- Lockhart, L. (1958). "The Persian Gulf in the 19th Century". The Cambridge History of Iran. Vol.4. Cambridge.

اسناد

- British Consulate, Bushire: Unpublished report, 1913, NO.(8).
- Foreign Office. (1912). Foreign Office Reports: British Consulate, Bushire (FO 248 /1047). The National Archives, London.
- Foreign Office. (1913). Foreign Office Reports: British Consulate, Buchire (FO 248 /1068). The National Archives, London.

References

- Bazmandegan Khamiri, Ahmad. (1402). "An Analysis of the Situation of Merchants and Trade along the Persian Gulf Littoral on the Eve of the Constitutional Revolution, Based on the Mozaffari Newspaper." Iranian Local Histories Research Journal. (No. 23), 86-96.
- Chamankar, Mohammad-Ja'far. (1395). "The Causes and Background of Underdevelopment in the Persian Gulf and Gulf of Oman Littoral and Hinterland during the Qajar Era." History of Islam and Iran. (No. 22), 59-86.
- Curzon, George N. (1350). Persia and the Persian Question. Vol. 2. Translated by A. Vahid Mazandarani. Tehran: Book Translation and Publishing Agency.
- Dadbakhsh, Masoud; et al. (1399). "The Economic Role of Zoroastrian Merchants and Trading Houses during the Qajar Period." Iranian Studies. (No. 19), 7-24.
- Floor, Willem. (1400). Bushehr: City, Society, and Trade (1797-1947). Translated by Esmail Nabipour. Bushehr: Bushehr University of Medical Sciences and Health Services.
- Floor, Willem. (1999). "The Persian Gulf: A Political and Economic History of Five Port Cities, 1500-1730." Washington, DC: Mage Publishers.
- Floor, Willem. (2006). "The Persian Gulf: The Rise of Gulf Arabs, 1747-1792." Washington, DC: Publishers.
- Ghani, Cyrus. (1377). The Rise of Reza Khan: The Fall of the Qajars and the Role of the British. Translated by Hassan Kamshad. Tehran: Niloufar.
- Hopkirk, Peter. (1379). The Great Game: The Struggle for Empire in Central Asia and Iran. Translated by Reza Kamshad. Tehran: Niloufar.
- Lockhart, L. (1958). "The Persian Gulf in the 19th Century." The Cambridge History of Iran. Vol. 4. Cambridge.
- Mahmoud, Mahmoud. (1363). A History of Iran-Britain Political Relations in the Nineteenth Century. Tehran: Amir Kabir.
- Makki, Hossein. (1374). The Twenty-Year History of Iran. Vol. 1. Tehran: Elmi.
- Marvati, Zahra; et al. (1399). "The Bushehr Municipal Association during the Constitutional Period and the Causes and Factors behind Its Failure." History and Civilization of Islamic Nations. (No. 2), 143-166.

- Mohammadi, Mojtaba. (1396). "A Study of the Economic and Social Interactions between Kazerun and Bushehr during the Qajar Period." *Kharazmi Historical Journal*. (No. 19), 99–129.
- Noraei, Morteza. (1385). *Documents of the Bushehr Agency*. Tehran: Institute for Contemporary Iranian Studies (Bushehr Branch).
- Saeidi-Nia, Habibollah. (1383). "A History of Iran–Britain Political and Economic Relations during the Reign of Naser al-Din Shah (with Emphasis on the Persian Gulf Region)." *Foreign Relations History*. (No. 21), 89–118.
- Seif, Ahmad. (1374). *The Iranian Economy in the Nineteenth Century*. Tehran: Cheshmeh.
- Wright, Denis. (1359). *The English among the Persians*. Translated by Lotfali Khanji. Tehran: Amir Kabi.

Documents:

- British Consulate, Bushire: Unpublished Report, 1913, No. (8).
- Foreign Office. (1912). *Foreign Office Reports: British Consulate, Bushire (FO 248/1047)*. The National Archives, London.
- Foreign Office. (1913). *Foreign Office Reports: British Consulate, Bushire (FO 248/1068)*. The National Archives, London.